



10.30495/jsec.2023.1948107.1961

The impact of the reformist thought of Mohaghegh Sabzevari on the social behavior of the Safavid Sultans

Rauf Mousavi Aziz¹
Masoume Qara Dagh^{*2}
Maqsood Ali Sadeghi³

(Receipt: 2021.11.29- Acceptance:2022.09.07)

Abstract

The purpose of this research was to investigate the impact of Mohaghegh Sabzevari's thought on the social behavior of the Safavid sultans, which was done by studying the available sources. The research method of this topic is descriptive, which is a documentary method by studying books, articles, and examining the theoretical foundations of the thinkers of the Safavid period. The findings show that with the emergence of the Safavid dynasty, a new page was turned in the way of governance and communication with the people to stabilize and develop the society in that period. With regard to the officialization of the Shia religion and its acceptance by the people, the Safavid sultans turned to the thinkers of the Shia scientific fields in order to legitimize themselves and adhere to the rational and rooted rules connected to the revelation and religious texts for the administration of the country. Scholars also seized this opportunity to promote Shiism to the level of political and social administration of the newly independent country of Iran, and began to theorize about the type of guardianship and jurist supervision over the monarchy. The importance of this issue comes from the fact that the rise and fall of any civilization is the result of accumulation, reproduction and degeneration, which is the social and political system of societies. In this situation, Mohaghegh Sabzevari strengthened the social behavior of the Safavid sultans and stabilized their government by presenting reformist ideas.

Key Words: Safavid, Sabzevari researcher, social behavior, social structure, political thought

1. Ph.D. student, Department of History, Shabestar branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran

2. Assistant Professor, Department of History, Shabestar branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran

*.Corresponding Author: Masomehgaradagi90@gmail.com

3. Professor of History Department, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran



10.30495/jsec.2023.1948107.1961



تأثیر اندیشه اصلاح‌گرایانه محقق سبزواری در رفتار اجتماعی سلاطین صفویه

رئوف موسوی عزیز^۱معصومه قره‌داغی*^۲مقصود علی صادقی^۳

(دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۸ - پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۶/۱۶)

چکیده

هدف این تحقیق بررسی تأثیر اندیشه محقق سبزواری در رفتار اجتماعی سلاطین صفویه بود که با مطالعه منابع و مآخذ موجود انجام گرفت. روش پژوهش این موضوع توصیفی است که با روش اسنادی با مطالعه کتب، مقالات، و بررسی مبنای تئوریک اندیشمندان دوره صفویه می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد با ظهور سلسله صفویه، صفحه جدیدی در شیوه حکومت‌داری و ارتباط با مردم برای تثبیت و توسعه جامعه در آن دوره ورق خورد. سلاطین صفوی با توجه به رسمی شدن دین تشیع و پذیرش آن از سوی مردم، و برای مشروعیت‌یابی خود و تمسک به قواعد عقلایی و ریشه‌دار متصل به وحی و نصوص دینی برای اداره کشور به سوی اندیشمندان حوزه‌های علمی شیعه روی آوردند و در مقابل علما نیز این فرصت را برای ارتقای تشیع به سطح اداره سیاسی و اجتماعی کشور تازه استقلال یافته ایران مغتنم شمرده، به نظریه‌پردازی از نوع ولایت و نظارت فقیه بر سلطنت دست زدند. اهمیت این موضوع به این امر باز می‌گردد که سیر صعود و نزول هر تمدن نتیجه ساز کارهای تراکمی، بازتولیدی و انحطاطی شکل گرفته که نظام اجتماعی و سیاسی جوامع، سازنده آن است. در این شرایط محقق سبزواری با ارائه اندیشه اصلاح‌گرایانه رفتار اجتماعی سلاطین صفوی را تقویت و حکومت آنان را تثبیت نمود.

واژه‌های کلیدی:

صفویه، محقق سبزواری، رفتار اجتماعی، ساختار اجتماعی، اندیشه سیاسی

۱. دانشجوی دکتری گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران Rauf_mosavi91@yahoo.com

۲. استادیار گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

*. نویسنده مسئول: Masomehgaradagi90@gmail.com

۳. استاد گروه تاریخ، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران sadeghimage@yahoo.com

مقدمه

طبع انسان‌ها دارای دو ظرفیت و دو پتانسیل متضاد می‌باشد که در قرآن تحت عنوان دو نماد لجن و روح خدا بیان شده است لجن نماد این است که طبع انسان‌ها گرایش به تملک و تصرف حقوق دیگران دارد، به همین جهت صحنه بین الملل نیز محل نزاع و کشمکش است به طوری که بر طبع بنی‌آدم فساد و غلبه مستولی است و بسیاری از مردمان جابر متغلا را داعیه آن است که آنچه در تحت تصرف دیگری ببینند به جور و تعدی بگیرند و اگر ملکی در تصرف کسی باشد، اگر دیگری زور و قوت و توانایی در خود یابد، طمع گرفتن آن ملک می‌نماید و به آن چه خود دارد قناعت نمی‌کند. و روح خدا نماد آزادی و برابری است که تلاش می‌کند مانع تجلی لجن شود.

در این راستا تاریخ ایران در قرن یازدهم هجری دارای درخشندگی خاصی است عالمان بزرگی چون میرداماد، شیخ بهایی، میرفندرسکی، صدرالمتالهین، محمدتقی مجلسی، فیض کاشانی، محقق سبزواری و... در این قرن می‌زیسته‌اند، آثار علمی و خدمات ارزشمندی که در این دوره به جامعه و مردم عرضه شد بر هیچ دانشور منصفی پوشیده نیست. به گونه‌ای که بسیاری از عالمان این قرن، شناخته شده‌اند و همواره از ثمرات علمی آنان بهره برده شده است، اما برخی از آنان، چنان که باید، به مردم و حتی به جوامع علمی، معرفی نشده‌اند؛ محقق سبزواری از دانشمندانی است که در چنین دوره‌ای می‌زیسته و آثار گران قدری از خود به یادگار گذاشته است، اما متأسفانه تاکنون ناشناخته مانده و غیر از دو اثر فقهی، بیش از بیست اثر دیگر وی هم چنان به صورت خطی باقی مانده است. در این مقاله سعی شده است به چگونگی رابطه محقق سبزواری با پادشاهان صفوی و شکل‌گیری خمیرمایه اندیشه‌های مشارالیه و ترکیب فلسفه سیاسی و شریعت نامه نویسی و سیاست نامه نویسی در آثار وی که منجر به پیدایش نوعی سیاست نامه نویسی شرعی پرداخته شود و فرضیه این تحقیق اقتدار و تحکیم سلاطین صفویه با روند شکل‌گیری اندیشه سیاسی محقق سبزواری، نشان دهنده شدت رابطه بسیار قوی و مستقیم بین متغیرهاست که انسجام حکومت و مردم در توسعه فرهنگی و اجتماعی آن نقش اساسی دارد. در راستای رسیدن به جواب پرسش اصلی تحقیق که اندیشه سیاسی محمدباقر سبزواری (محقق سبزواری) در تحکیم حکومت سلاطین صفویه و رابطه حکومت و مردم چگونه بوده است؟ می‌باشد.

اندیشه سیاسی و اجتماعی محقق سبزواری با توجه به عمق و وسعتی که دارد می‌تواند راهگشای بسیاری از مسایل اجتماعی و سیاسی دوره کنونی جامعه باشد.

که ما در نظر داریم اندیشه سیاسی اصلاح‌گرایانه سبزواری را که موجبات توسعه اجتماعی و سیاسی مردم در دوران صفوی شده است را واکاوی کنیم تا از اندیشه‌های اصلاحی برای بهبود و سر و سامان دادن به ارتباط مردم و جامعه امروز برای توسعه اجتماعی و سیاسی بهره‌برداری کنیم.

بیان مسئله :

اندیشه اصلاح گرایانه به طور عام به اندیشه ای اطلاق می شود که حاکمیت آن در جامعه موجب کاهش رفتارهای افراطی گردد. منظور از اندیشه سبزواری در دوره صفویه همین معناست به عبارت ساده تر به آن بخشی از تفکر سبزواری که موجب کاهش رفتارهای افراطی سلاطین صفوی شده است اندیشه اصلاح گرایانه گفته می شود. سلاطین صفویه با توجه به این ذهنیت در این برهه خاص از تاریخ اندیشه ایران به تلفیق تئوری و پراکتیس یا نظریه و عمل سیاسی، اجتماعی در وجه ایجابی و سلبی با یکدیگر پرداختند.

برخی می‌پندارند تشکیل دولت صفوی زبانی بزرگ برای جهان اسلام بود، بدین معنی که با رسمی کردن تشیع، و ضعیف ساختن تسنن، یکپارچگی مذهبی سرزمین‌های اسلامی را که تا آن دوران باقی مانده بود، از میان برد و آن محیط پهناور و یگانه جغرافیایی را از میان قطع کرد و به خطر انداخت. لازم به ذکر است، پیش از این در قرن های چهارم تا ششم هجری دولت اسماعیلی فاطمیان در مصر خلافتی در مقابل خلافت عباسی تأسیس کرده بود و تا زمانی که هر دو دولت قدرتمند بودند، هیچ مشکلی در مقابله با صلیبیان نداشتند. بنابراین قطعاً این نخستین بار نبود، که یک حکومت رسمی شیعی تأسیس می‌شد. ثانیاً قدرت دولت عثمانی و توسعه پیاپی آن بدون پشتوانه فرهنگی و اجتماعی لازم صورت می‌گرفت. به طوری که علی رغم چند قرن سلطه بر یونان، بالکان و چند کشور دیگر اروپایی تنها عده کمی از مردم آن نواحی مسلمان شدند و هر چند این مطلب درست است که عثمانی بر اثر مناقشه‌های ممتد با صفویان همواره از مرزهای شرقی خود بیمناک بود و ناگزیر بخشی بزرگ از نیروی نظامی خویش را در آن جانب صرف می‌کرد و از پیشرفت و تمرکز نیرو در جبهه‌های اروپا باز می‌ماند، اما شکست های بزرگ عثمانی در اروپا بعد از محاصره وین در سال ۱۶۸۳ میلادی و همزمان با افول و اضمحلال دولت صفوی رخ می‌دهد. در واقع عامل اصلی شکست عثمانیان نه پیدایش دو حکومت شیعه و سنی، بلکه برتری ادوات نظامی اروپاییان در قرن هجدهم و ضعف ساختارها و بنیه‌های اقتصادی و اجتماعی عثمانی نسبت به جوامع اروپاست (لاپیدوس، ۱۳۷۶: ۴۸).

تشویق سلاطین صفوی به رونق فلسفه و فقه تشیع، مرجعیت علماء و مشروعیت دولت را تقویت کرد. در واقع، نوعی رابطه بین قدرت مذهبی و قدرت دنیوی، یعنی زعامت معنوی و زعامت سیاسی پدید آمد. البته شاهان صفوی در رابطه جدید به وجود آمده همواره با چالش رو به رو بودند چون آموزه های شیعه می توانست تخم تردید را در مشروعیت این سلسله در ذهن مردم بکارد. به دلیل این که حکومت صفوی خاستگاهی دینی داشت و خود را مدعی عرصه سیاسی می دانست

تحولات دینی و سیاسی این دوره مستقل از یکدیگر عمل نمی کردند. به تدریج با فاصله گرفتن نخستین رهبران سیاسی صفوی از گرایش های غالبانه زمینه های نزدیکی آن ها به علمای شیعه امامیه به وجود آمد و به جلب حمایت علما پرداختند. از جمله مهم ترین محرک پادشاهان صفوی در این امر امپراطوری عثمانی بود. از دیدگاه علمای شیعه امامیه مصلحت ایجاب می کرد تا حکومت شیعی صفویان را یاری رسانند. در زمان شاه عباس اول ایدئولوژی سیاسی سازگاری بیشتری با مقتضیات متحول زمانه پیدا کرد و تلاش شد تا ایدئولوژی دینی با ضرورت سیاسی همخوان باشد و یکی جلوه داده شود.

ساختار اجتماعی جامعه صفوی از نظر ساختار اجتماعی هرمی شکل بود که در راس آن شاه قرار داشت و مردم عادی در قاعده هم جای می گرفتند (نویی و غفاری فرد، ۱۳۸۹: ۲۹۹). شاه عزل و نصب کلیه مقامات کشوری و لشکری را بر عهده داشت (ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۰۸۹). سلاطین صفوی به کشوری حکومت می کردند که از سه گروه قومی بزرگ تشکیل می شد: خانواده های قدیمی و سرشناس ایرانی که مناصب دولتی و دیوانی را در اختیار داشتند، قبایل ترکمن که پایگاه اصلی صفوی بودند و فرماندهان سپاه و فرمانداری ایالت ها را بر عهده داشتند و نخبگان جدیدی از گرجی های مسیحی و ارامنه و چرکس ها در آن جای داشتند (فوران، ۱۳۷۸: ۴۷). وزیر در حکومت صفویه که در راس دیوان سالاری بود، لقب اعتمادالدوله را به همراه داشت (نوذری، ۱۳۸۸: ۲۶۷).

درباریان و اشراف مقام های کشوری و لشکری، سران فئودال ایالات های قزلباش که دولت صفوی با حمایت آنان به قدرت رسیده بود، دارای اختیارات زیادی بودند و در امور مملکت به دلخواه خود دخالت می کردند و کلیه پست ها و املاک و اموال در اختیار خود را به طور موروثی در دست داشتند (همان منبع: ۲۶۳).

اهمیت دادن دولت صفوی به تشیع و توجه ویژه به علمای شیعه مذهب و حمایت از علمای مذهبی باعث شد که به تدریج روحانیون و علما در امور اجتماعی و سیاسی مملکت موثر واقع شوند و این تأثیر و نفوذ در دوره شاه طهماسب اول و شاه سلطان حسین به اوج خود رسید (نوذری، ۱۳۸۸: ۲۷۰).

در طول حکومت صفوی قدرت مذهبی و قدرت دنیوی جز در مواردی نادر بین دو قدرت حاکم، قدرت مذهبی و دنیوی عدم تفاهم چندانی پیش نیامد و اتحاد دولت و علما به صورت پدیدار شدن مشاغل و مناصب تجلی نمود (میر احمدی، ۱۳۶۳: ۶۲-۶۳).

مجتهد در دوره صفوی دارای قدرت زیادی بود تا آن جا که می توانست در مورد جنگ و صلح نیز تصمیم بگیرد و بدون صلاح دید او هیچ کار مهمی که در زمینه حکومت بر مومنان باشد صورت

نمی گرفت. شاه صفی تا حدودی تصنعی به مجتهدان احترام می گذاشت و در این کار پروای مردم را می کرد زیرا پیروی آنان از مجتهدان تا بدان پایه بود که شاه صلاح خود نمی دانست به یکی از اصول غیرقابل تخطی دین تجاوز کند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۲۷).

زمانی که قدرت و نفوذ روحانیت در جامعه شیعه صفوی بیشتر می شد محاکم عرف را افزایش می دادند و سپس در محاکم شرعی ایجاد اغتشاش و بی نظمی می کردند و سرانجام با تحت سلطه در آوردن پیشوایان مذهبی و دینی و علاقه مند کردن آنان به امور ظاهری از فعالیت آنان می کاستند (شاردن، ۱۳۴۵: ۷۱).

تجار در این دوره که از طبقات متوسط جامعه صفوی بودند به علت توسعه روابط تجاری ایران با اروپا وضع بسیار خوبی داشتند (نوذری، ۱۳۸۸: ۲۷۰).

در این دوره تجار متمول ترین مردم زمان خود بودند و با وجود این که تجار خارجی به خصوص تجار پرتغالی و هلندی در کار آنان اختلال ایجاد می کردند با این وجود کار آنان بسیار خوب و ثروت زیادی از این راه نصیبشان می گردید (همان منبع: ۲۷۴).

کارگران و اصناف، که شهر اصفهان مرکز کار و فعالیت ان دوره بود، پیشه وران و کارگران مختلف مشغول کار بودند و به علت فعالیت های هنری و ساختمانی که در این دوره بوجود آمده بود روز به روز بر تعداد آنان افزوده می شد (همان منبع: ۲۷۸).

هر رشته فعالیت صنعتی، رئیسی داشت که از میان صنعت کاران مربوط از طرف شاه برگزیده می شد ولی از مقامش بر کنار نمی شد مگر به واسطه شکایت کسانی که وی نماینده آنان تلقی می شود. حتی در این مورد هم قبل از آن که او را از مقام خود برکنار نمایند بایستی وی را به غفلت یا خلاف کاری متهم و جرم را ثابت نمایند (سیوری، ۱۳۸۰: ۱۶۹).

اکثر صنعت کاران از طبقات بافنده ها، رنگرژها و گل دوزان بودند. این صنعتگران در میادین شهر و بازارها و زیر طاق هایی که به همین منظور ساخته شده بود در کنار یکدیگر به طور منظم مشغول کار می شدند (اولثاریوس، ۱۳۸۵: ۲۷۸).

کشاورزان قشر دیگر جامعه صفوی، بر اساس نوشته شاردن در این دوره در رفاه بودند به طوری که بر اساس نوشته شاردن در سفرنامه خود اشاره دارد به این که در سرزمین های حاصلخیز اروپارعیایی وجود دارند که آسایش کشاورزان صفویان را نداشتند. همه جا زنان روستایی را دیدم که سینه بندی {گردنبندی} از نقره و حلقه های زرین و سیمین در دست دارند (شاردن، ۱۳۴۵: ۳۲۱).

دهقانان در روستا ساکن بودند و به کشاورزی اشتغال داشتند و اداره امور محلی روستا را کدخدایان به عهده می گرفتند و ظاهراً مسئول وصول مالیات و عوارض بودند و بر روستائیان ریاست داشتند (لمبتون، ۱۳۳۹: ۲۳۸).

بخش عمده در آمد دولت از مالیات هایی بود که از دهقانان و پیشه وران و تجار تامین می شد اما مالیات های دهقانان و پیشه وران و تجار به صورت انفرادی از آنها گرفته نمی شد بلکه توسط رئیس اصناف هر حرفه انجام می گرفت (نویدی، ۱۳۸۶: ۹۱).

به طور کلی ساختار اجتماعی صفویان از انسجام مطلوبی نسبت به دوره های دیگر بوده است. لزوم اهمیت دادن دولت صفوی به تشیع و توجه ویژه اش به علمای شیعی مذهب و حمایت از علمای مذهبی، باعث شد که به تدریج علماء در امور اجتماعی و سیاسی مملکت مؤثر واقع شوند و این تأثیر و نفوذ در دوره برخی از سلاطین صفوی به اوج خود رسید. لذا ما بر آن هستیم که به تأثیر اندیشه سیاسی محقق سبزواری در رفتار سلاطین صفوی برای توجیه حکومت پادشاهان صفوی در حکومت داری در جامعه با دو متغیر ۱- اندیشه اصلاح گرایانه، ۲- رفتار اجتماعی سلاطین پیردازیم همچنین سعی شده رابطه و تعامل اندیشه سیاسی سبزواری با سلاطین صفوی: شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ هـ.ق)؛ ۲- شاه صفی اول (۱۰۵۲-۱۰۳۸ هـ.ق)؛ ۳- شاه عباس دوم (۱۰۷۷-۱۰۵۲ هـ.ق)؛ ۴- شاه سلیمان اول یا شاه صفی دوم (۱۱۰۵-۱۰۷۷ هـ.ق) بررسی شود. در این میان سئوالات این مقاله در قالب زیر صورت بندی می شود. ۱- اندیشه اصلاح گرایانه سبزواری چیست؟ ۲- رفتار اجتماعی سلاطین دوره صفوی چگونه بوده است؟ ۳- اندیشه اصلاح گرایانه محقق سبزواری در رفتار سیاسی و اجتماعی سلاطین صفوی چه تأثیر داشته است؟

ادبیات پژوهشی

با توجه به این که راجع به اندیشه سیاسی دوران پادشاهان صفوی از سوی مورخان و سفرنامه نویسان کمتر توجه شده است و اکثر منابع این دوره از دیدگاه تاریخی به صورت کلی گویی و موجز اشاره شده است لذا در این پژوهش تلاش خواهد شد با تکیه بر منابع و سفرنامه ها و تحقیقات جدید به اندیشه محقق سبزواری پرداخته شود.

دریافت عمق معنای تاریخ بشری، خصوصاً طی دو قرن اخیر و همزمان با پیشرفت علوم انسانی در حوزه نظری، مورد توجه صاحبان نظر در این علم قرار گرفته است. یکی از رهیافت های مهم تئوریک در این راستا توجه به نقش و اهمیت اندیشه های بشری در حوزه های مختلف در جهت شکل گیری و روند تاریخ است و از این حیث اندیشیدن در باب تفکر تاریخی و اندیشه نهفته در منابع تاریخ نگاری اهمیت ویژه ای دارد. عصر صفوی در تاریخ ایران یکی از ادوار مهم و تأثیرگذار در شکل گیری عوامل و عناصر حیات فکری و اجتماعی ایران معاصر است و حوزه تاریخ نگاری یکی از مهم ترین وجوه حیات فکری آن عصر را تشکیل می دهد. پژوهش و بازاندیشی در منابع تاریخ نگاری

آن دوره، علاوه بر توجه به شناخت ارزش تاریخی این منابع، اندیشه تاریخی مورخان آن عصر را در بخش‌های مختلف مرتبط با تاریخ از جمله فهم و تعریف تاریخ، اندیشه سیاسی، چگونگی و علل برآمدن و برافتادن حکومت‌ها و به‌طور کلی فلسفه تاریخ در بخش نظری و انتقادی روشن می‌کند. همچنین در جهت پرتوافکنی بیشتر به ابعاد این اندیشه‌های مورخان عصر صفوی، تا این جنبه مغفول معرفت تاریخی این عصر در معرض شناخت و نقد و بررسی بیشتر قرار گیرد.

اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی مرحله‌ای مهم از حیات فرهنگی مردم ایران را منعکس می‌سازد. در مدتی حدود دوپست و سی سال از عمر این سلسله نزدیک به چهل اثر با هدف نگارش تاریخ پدید آمد، که بیانگر تفکر مورخان درباره‌ی چستی تاریخ، روند آن و فلسفه‌ی تاریخ است.

زمینه‌های عمومی تاریخ‌نگاری عصر صفوی هم‌چون ویژگی‌های سیاسی، فکری، اجتماعی - اقتصادی و تاثیر و انعکاس آن‌ها در تاریخ‌نگاری این دوره کمتر بررسی می‌شود. هم‌چنین به دیدگاه مورخان این عصر و سبک و قالب کار آن‌ها خیلی اندک اشاره می‌شود. چرا که از انواع تاریخ‌نگاری عصر صفوی می‌توان به تاریخ‌نگاری عمومی، تاریخ‌نگاری سلسله‌ای یا دودمانی و تاریخ‌نگاری سلطانی اشاره کرد که تاثیر عرفان و تصوف، اندیشه‌ی تقدیرگرایی و مشیت الهی، اندیشه‌ی دینی، سیاسی، معرفت، حکمت و فلسفه‌ی تاریخ در تاریخ‌نگاری عصر صفوی بیش از هر دوره به آن پرداخته شده است (آرام، ۱۳۸۶، ۵۷).

اگرچه دوران عظمت و شکوه صفویان در زمان شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ ه.ق) به اوج خود رسید و در سالهای پس از مرگ او تا زمان برافتادن این سلسله به دست افغان‌ها، پادشاهان بعد از وی هرگز نتوانستند احیا کننده دوران پرآوازه وی باشند، اما در این بین با مطالعه وقایع نامه‌های آن دوره و همچنین گزارش‌های سیاحان غربی به دورانی برمی‌خوریم حاکی از ابراز اعجاب نسبت به قدرت و سلامت مملکت داری ایران است. این دوران بین سال‌های ۱۰۵۲ تا ۱۰۷۷ ه.ق. یعنی همان سال‌های حکومت شاه عباس دوم صفوی می‌باشد که با جرأت می‌توان آن را پس از عهد شاه اسماعیل اول و شاه عباس اول باشکوه‌ترین دوره در عصر صفویه دانست. اقدامات شاه عباس دوم در امر اصلاحات سیاسی و اقتصادی و همچنین اندیشه این پادشاه در امر هنر و معماری ذهن هر خواننده‌ای را معطوف به دوران شاه عباس اول می‌نماید، درایت وی در سیاست داخلی از جمله تشکیل دیوان نظام و رسیدگی به امور مردم و ایجاد رابطه نزدیک با رعایا ویژگی خاصی به این دوره بخشیده و نشانگر آن است که ایجاد صلح طولانی با عثمانی در این دوره توانسته نسبت به مسایل داخلی مملکت نتیجه بخش باشد. از طرفی فتح قندهار و پس گرفتن آن از مغولان سیاست خارجی این دوران را بیشتر درخور توجه قرار می‌دهد و از آنجا که دوره سلطنت این پادشاه آخرین مرحله شکوفایی عصر صفویه بوده است (اسدی، ۱۳۹۱، ۵۹).

عصر صفوی از اوایل قرن دهم هجری تا نیمه قرن دوازدهم (۹۰۷ تا ۱۱۴۵ ق) یکی از دورانهای مهم تاریخ ایران است که مذهب تشیع دوازده امامی به عنوان مذهب رسمی در کشور استقرار یافت. در چنین بستر مساعدی، تعلیم و تربیت بر آموزه‌های شیعی استوار گردید و زمینه مناسبی برای رشد و شکوفایی علوم اسلامی و معارف شیعی در ایران فراهم آمد. حکمت و فلسفه اسلامی نیز یکی از شکوفاترین و پررونق‌ترین دوره‌های خود را در ایران اسلامی و بخصوص در شهرهای شیراز و اصفهان، در این دوره سپری نموده است. وضعیت مذهب در این دوره و نیز روش‌های آموزشی در عصر صفوی و همچنین سیاست‌های سلاطین صفوی از جمله حمایت از مراکز تعلیم و تربیت و استقبال از مهاجرت علمای جبل عامل و حمایت از تاسیس مراکز آموزشی مناسب و مدارس علمی مهم و کمک به تاسیس و تقویت کتابخانه‌ها در این زمان برخی عامل رشد و گسترش فلسفه در این عصر است (ایراندوست، ۱۳۹۲، ۳۸).

صفویه در ابتدا پایگاه‌های قدرت خود را در میان ترکان قزلباش (نظامی) و اهل تصوف (معنوی) قرار داده بود و شاه اسماعیل حاوی هر سه مقام "ظل الله"، "مرشد کامل"، و "نایب امام زمان" در میان مردم بود. این مقام معنوی برای شاه و اعتقاد به آسمانی بودن او کم و بیش تا پایان صفویه ادامه پیدا کرد. شکست شاه اسماعیل در چالدران به وجهه آسمانی او در میان هوادارانش لطمه زد و دوره پادشاهی او را دو قسمت کرد.

از زمان شاه طهماسب به بعد شاهد رشد عالمان و فقیهان شیعی در جامعه هستیم. عمده این فقها ابتدا عالمان شیعی عرب مهاجر بودند که در اواخر صفویه در برابر عالمان ایرانی در اقلیت قرار گرفتند. رشد نفوذ علما در جامعه و نیز رشد اخباریگری در بین علما کار را به جایی رساند که در اواخر صفویه عالمان شیعی رسماً نیابت امام زمان را منحصر به خود اعلام نموده و نظارت مجتهدین بر شاه را تبلیغ می‌کردند. از طرفی تحولات دوره شاه عباس از نفوذ صوفیان در دربار و در اجتماع کاست (فقیهان نیز برای ریشه کن کردن تصوف کمر همت بستند) و شاهان بعد از عباس اول دیگر مقام مرشد کامل را هم در بین مردم نداشتند و تنها ظل الله بودند، اگر کفایت لازم را حکومت داشتند.

دولت صفویه مقدمه ورود ایران به عصر جدید است. یعنی دولت صفویه راه را برای فرایند دولت‌سازی در ایران گشوده است و بعد تفاوت‌های دولت شیعی صفوی را که بر پایه هویت مذهبی و رسمی کردن تشیع در ایران شکل می‌گیرد با حکومت فاطمیان مصر مقایسه می‌شود. مسئله‌ای که محقق سبزواری را وادار کرده روضه الانوار عباسی را بنویسد این است که می‌خواهد جلوی زوال و انحطاط حکومت صفوی را بگیرد و به نوعی انحطاط‌شناسی می‌کند و بعد وارد این بحث می‌شود که حکومت چطور باید با مردم و علما و دین تعامل کند تا جلوی آسیب‌هایش گرفته شود. یکی از مسائل عصر صفوی بود و نبود اشرافیت مستقل است. این چیزی است که به ویژه سفرنامه‌های خارجی

بسیار بدان اشاره می کنند. آن‌ها از جهانی می‌آمدند که اشرافیت مستقل از دولت بعد از ماکیاولی برای آنها مسئله شده بود. کتاب سیر تحولات فوق را بیان می کند و نقش سبزواری را در این رابطه به صورت جزئی اشاره داشتند به اهمیت اندیشه سیاسی سبزواری، و این که سبزواری متعلق به آغاز دوره ای از تاریخ اندیشه سیاسی، دینی در تفکر ایرانی است که با توجه به تاثیراتی که از شرایط اجتماعی، سیاسی، دینی زمان خود گرفته است موجب پدید آمدن مسائلی در عرصه فکر و اندیشه سیاسی، مذهبی گردیده که به تبع آن حرکت و موضع گیری گروهی از علماء و فقها را برانگیخته است (آقاجری، ۱۳۸۳، ۳۹).

نخستین و بنیادی‌ترین ویژگی تشیع و از جمله تشیع امامی، رهیافت خاص آن به موضوع امامت است. آموزه‌ای که همواره شیعیان را در موضع «مخالفان وضع موجود» در دوران صفویه قرار می‌داد. نظام خلافت در نزد شیعیان، نه به‌عنوان جانشینی پیامبر، که نظامی غاصبانه محسوب می‌شد، همان‌گونه که سلطنت، الگویی غیراسلامی تلقی می‌شد. اندیشه سیاسی شیعه، در راه مبارزه، با نظام حاکم (خلافت) هر از گاهی با دیگر مخالف آن یعنی سلطنت، هم‌آوا می‌شد، اما این هم قدمی به معنای اصالت و قبول الگوی سلطنت نبود. زوال خلافت و پیدایش حکومت صفوی در ایران موجب شد دو نیروی مخالف با نهاد «خلافت» و سلطنت و تشیع در یک قالب جمع شوند.

ویژگی‌های گفتمان «سلطنت شیعی»، به آرای علمایی در دوران صفویه و قاجاری از جمله: علامه مجلسی، میرزای قمی، ملا احمد نراقی، سیدجعفر کشفی، محقق سبزواری و... استناد و روش تحلیل خویش را تحلیل گفتمان معرفی کرده اند طبق عقیده این اندیشمندان دو گرایش برای توضیح «سلطنت شیعی» وجود دارد؛ اول دیدگاه ایرانشهری است که بر مبنای آن سلطنت شیعی ادامه الگوی سلطنت در ایران باستان فرض می‌شود. دوم گرایشی است که بر اساس همانندی اندیشه سیاسی تشیع و تسنن است. اما گفتمان «سلطنت شیعی»، گفتمانی مستقل از دو دیدگاه پیش گفته است زیرا با بیان مبانی انسان‌شناسی و هستی‌شناسی، گفتمان «سلطنت شیعی» را از آن‌ها تمایز می‌بخشد و اقتدار سلاطین صفویه را با نظرات ایرانشهری توجیه می‌کند (طباطبایی فر، ۱۳۹۴، ۵۶).

کم کم با افزایش نفوذ و اقتدار صوفیان در دوره صفویه، برخی از آن‌ها (صوفیان) دارای دعاوی سیاسی شدند، به طوری که خانقاه شیخ صفی تا بدان جا پیش رفت که به مرکز اقتدار فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تبدیل و زمینه برای تشکیل حکومت توسط اخلاف او فراهم شد. مسئله سیادت، از جمله شیوه‌هایی بود که صوفیان با در نظر گرفتن شرایط سیاسی و مذهبی آن روزگار، برای مشروعیت یابی بدان متوسل شدند و افزون بر این‌ها، زمانی برخی شاهان صفوی، طرح مقام مرشد کامل را وجهه همت خود می ساختند (سیوری، ۱۳۸۰، ۹۶).

تاریخ اندیشه سیاسی در ایران به طور عام مبنی بر امتناع اندیشه و به طور خاص زوال اندیشه سیاسی در ایران مطرح است. در این دوره تجدد و انحطاط، دو مفهوم به هم پیوسته‌اند و در شرایط تصلب سنت و امتناع اندیشه، طرح یکی بدون دیگری امکان‌پذیر نیست. در مغرب‌زمین نیز تداوم اندیشه و تجدد، از مجرای طرح نظریه‌ی انحطاط امکان‌پذیر شده است و بحران تجدد و شکست آن در ایران، بایستی با توجه به امتناع طرح نظریه انحطاط در درون نظامی از مفاهیم فلسفی فهمیده شود.

مهم‌ترین نکاتی که شاید برای برون‌رفت از تعطیل اندیشه در ایران لازم باشد اشاره شود. گذار از انحطاط تاریخی جز از مجرای اندیشیدن درباره آن امکان‌پذیر نخواهد شد. می‌توان گفت که فقدان مفهوم انحطاط در یک فرهنگ، نشانه عدم انحطاط نیست، بلکه عین آن است (طباطبایی، ۱۳۸۷، ۴۹).

یکی از کارکردهای نهاد دین مشروعیت بخشی به نهادهای سیاسی است و هرگونه همکاری علما و فقها با سلاطین وقت مساوی با مشروعیت حکومت تلقی است، و حال آنکه تاریخ تشیع و واقعیت‌ها عکس این مطلب را نشان می‌دهند.

این نظر از کارکرد دین مسیحیت و کلیسا وام گرفته شده و برخی این امر را نسبت به اسلام و به خصوص فقهای شیعه تعمیم داده‌اند. رابطه کلیسا با امپراتوری روم و یونان، با رابطه فقها با سلاطین اصولاً قابل قیاس نیست. در ادبیات فقه شیعه، عناوین «سلطان جائز»، «حرمت همکاری با سلطان جائز مگر در موارد خاص» و «حرمت رکون و تکیه به ظالمین» آمده‌اند، که کاملاً آن را از حکومت کلیسا و رابطه آن با امپراتوری‌ها، متفاوت می‌سازند. این که یکی از کارکردهای نهاد دین مشروعیت بخشی به نهاد حکومت باشد، از ادبیات سیاسی غرب وام گرفته شده است. و بسیاری از اندیشمندان سرزمین ما در آن دوره به این وام‌گرفتنی اعتراف دارند (آقاجری، ۱۳۸۸، ۷۳).

اهداف

اهداف این رساله در دو بخش بوده:

هدف کلی

آگاهی از اندیشه اصلاح‌گرایانه سبزواری در تأثیر رفتار اجتماعی سلاطین صفوی

اهداف جزئی

۱- تأثیر اندیشه اصلاح‌گرایانه سبزواری در رفتار سیاسی سلاطین صفوی

۲- تأثیر اندیشه اصلاح‌گرایانه سبزواری در رفتار اقتصادی سلاطین صفوی

سؤالات تحقیق

۱- اندیشه اصلاح گرایانه سبزواری چه تاثیری در رفتار سیاسی و اجتماعی سلاطین صفوی داشته است ؟

۲- اندیشه اصلاح گرایانه سبزواری چه تاثیری در رفتار اقتصادی و اجتماعی سلاطین صفوی داشته است ؟

اهمیت و ضرورت

آگاهی از اندیشه اصلاح گرایانه محقق سبزواری می تواند در ساماندهی و حل مشکلات جامعه کنونی ما موثر واقع شود از این جهت انجام این تحقیق اهمیت و ضرورت دارد. علاوه بر آن آگاهی از اندیشه اصلاح گرایانه محقق سبزواری موجب خود کنترلی رفتار اجتماعی مسئولین جامعه خواهد شد. از این جهت نیز انجام این تحقیق مهم و ضروری است همچنین از آن جا که خود کنترلی رفتارهای اجتماعی، نیاز به کنترل بیرونی جامعه را کاش می دهد از این بابت نیز انجام این تحقیق اهمیت دارد. کاهش نیاز به کنترل بیرونی رفتارهای اجتماعی موجب کاهش هزینه های اقتصادی می گردد از این رو نیز انجام این تحقیق اهمیت و ضرورت دارد از نتایج این تحقیق مسئولان جامعه و مورخان و فرهیختگان جامعه می توانند استفاده کنند از این جهت نیز انجام این تحقیق در این برهه از زمان مهم و ضروری است.

تعریف عملیاتی متغیرها

هر یک از متغیرها از طریق مطالعه اسناد و مدارک مربوط به سلاطین دوره صفویه و محقق سبزواری مورد بررسی قرار خواهد گرفت

روش پژوهش

نوع تحقیق بنیادی است و روش پژوهش این موضوع توصیفی است که با روش اسنادی با مطالعه کتب، مقالات و بررسی مبانی تئوریک اندیشمندان دوره صفویه می باشد که پس از بررسی دقیق اندیشه های اصلاح گرانه اجتماعی مولفه های استخراج شده طبقه بندی شده و بر اساس عوامل اثرگذار مورد تجزیه و تحلیل و الویت بندی قرار گرفته است. بنابراین این مولفه های اثرگذار به روش پژوهش اسنادی با مطالعه منابع کتابخانه ای استخراج شده اند که اعتبار روایی و پایایی اسنادی و

دیدگاه های متخصصان و صاحب نظران بر اساس ضریب نسبی روایی محتوا استفاده شده است که این تکنیک برای اولین بار توسط لاوشه در سال ۱۹۷۵ معرفی شده است.

یافته های توصیفی

یافته های این تحقیق در روابط سنتی طبقات اجتماعی عصر صفویه اشاره به آن دارد که، شاه مرکز ثقل و توزیع قدرت بود. سران قزلباش و نیروهای نظامی که پایه قدرت آنها را ابتدا وابستگی خاندانی و نظامی گری تشکیل می داد، بعدها با انتصاب به حکومت ولایات و دریافت تیول در اشکال مختلف آن، که به طور عمده موروثی بود، به صورت زمین داران بزرگ درآمدند. به بیان فوران این ها با قرار گرفتن در رأس ایل های خود و دریافت تیول و حکومت ولایات از سه بخش مازاد ایلی، روستایی و شهری بهره مند شدند. گروه دیگر بوروکرات های ایرانی بودند. این ها که انحصار دانش عرفی را در ارتباط با اداره زمین ها در اختیار داشتند با تکیه به اقتدار تخصصی و دانش خود، از طریق اشغال مناصب اداری و انحصار امور مالی و ممیزی و غیره به دریافت تیول نایل شدند و در جرگه زمین داران و گاه تجار بزرگ درآمدند. روحانیت نیز با اتکا به قدرت ایدئولوژیک خویش، هم به قدرت سیاسی در ساخت (منصب، صدر، شیخ الاسلام و غیره) دست یافت و هم از طریق سیورغال بهره مندی مادی یافت. این گروه انحصار دانش دینی را هم در اختیار داشتند.

دوره صفویه در تاریخ ایران همواره به دلایل مختلفی مورد توجه قرار گرفته است. ایجاد یکپارچگی و خروج کشور از وضعیتی که هر بخشی به دست قدرت های محلی اداره می شد از یکسو و رسمیت یافتن مذهب تشیع به فرمان شاه اسماعیل در کشوری که تا آن هنگام اکثریت جمعیت آن اهل سنت بودند از سوی دیگر به این حکومت وجه تمایزی در تاریخ ایران می بخشد.

محقق سبزواری، دغدغه ساماندهی و اصلاح وضعیت دینی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی عصر خویش را داشته است. در واقع، تفکر سیاسی و اجتماعی ایشان، پاسخ به مشکلات، معضلات و نیازهای عصر خود بوده است.

حکومت صفویه حکومتی مستقل و متکی به نیروی بومی و داخلی بوده است و از طرف دیگر مدعی دین داری، حمایت از دین و پیروی از علمای دینی بوده است. همین مسئله سبب شده تا تفکرات اجتماعی و سیاسی سبزواری متوجه اصلاح وضعیت سلطنت و رفتار شخص شاه باشد.

سبزواری هیچ گاه به سلطنت پادشاه صفوی مشروعیت نداده است، بلکه از موضع یک حکیم مجتهد، به شاه صفوی دستور می دهد که اصلاح های مورد نظر او را انجام دهد، چرا که ایشان معتقد است که «... خلیفه و مقتدا و امام و متبع باید که اعلم باشد.» و «بر همه کس واجب است که از

مجتهد زنده تقلید نماید...». بنابراین، وی خود را «اعلم» و همان مجتهد زنده ای می داند که شاه عباس دوم باید به پیروی و تقلید از او امور مملکت را اداره کند.

در پایان می توان گفت از زمانی که لغزش های ارزشی، دوری از تصوف واقعی و پویا و گرایش به شریعت در مسیر بهره وری حکومتی، وضع جدیدی را پیش آورد که تعلیمات دینی ریشه دار و خلاق باقی نماند و شریعتی بدون تعلیمات در تشریفاتی ظاهری در طبقات جامعه گسترده شد و هم زمان ناکارآمدی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر کلیت جامعه مستولی گردید، بر این اساس آثار انحطاط و شکست در ساختار سیاسی و اجتماعی پدید آمد و سامان سلطنت دویست و سی ساله صفویان با همه اعتبار تاریخی موجب سقوط حکومت صفوی و به تبع آن توقف و زوال توسعه تمدنی صفویان شد.

نتیجه گیری

بدون شک بسترهای اجتماعی و زمینه های فرهنگی عصر و زمانه محقق در پرورش قوه تفکر و اندیشه وی موثر بوده است. محقق سبزواری در عصر صفویه و معاصر با چهار پادشاه صفوی بوده است. ظهور صفویه یکی از نقاط عطف بارز در تاریخ سیاسی و مذهبی ایران است، زیرا از لحاظ سیاسی، ایران دارای حکومت ملی می شود و از نظر مذهبی، شاهد ارتقای تشیع دوازده امامی به دین رسمی دولتی و در واقع درآمیختگی عملی ایران و تشیع در یک قالب مذهبی - ملی هستیم. در یک نگاه کلی و مطابق با آنچه مورخان عصر صفوی در آثار خود آورده اند، به اجمال می توان عنصر فرمانروایی صفویان را در سه مقطع مطالعه و بررسی کرد: ۱- دوره تأسیس و تثبیت که از شاه اسماعیل اول تا شاه عباس اول است و با توجه به چارچوب زمانی این دوره به پیش از حیات سبزواری مربوط است. ۲- دوره اقتدار و شکوفایی که با دوره شاه عباس اول صفوی مصادف است. محقق سبزواری بخش اعظم دوره دوم را به چشم خویش دید و بعضاً از عهد طهماسب به نیکی یاد کرده است. ۳- دوره انحطاط و فروپاشی که از شاه صفی تا شاه سلطان حسین را می توان ذکر کرد. محقق سبزواری شاهد بخش اول از این دوره بوده و اثر مهم سیاسی خویش، یعنی «روضه الانوار عباسی» را در این دوره و برای شاه عباس دوم با هدف جلوگیری از اضمحلال سلسله صفویه به نگارش درآورده است (سبزواری، ۱۳۸۱: ۸۱).

در پایان دوره اول اوضاع ایران بی ثبات شده بود، هم درگیری های داخلی وجود داشت و هم ناتوانی در برابر تهاجمات خارجی، اما با روی کار آمدن شاه عباس اول، عصر اقتدار و شکوفایی ایران آغاز می شود. مهم ترین اقدامات شاه عباس اول، ایجاد امنیت در جامعه و بازگرداندن نظم به کشور،

نوسازی سازمان ارتش و دستگاه مالی، بیرون راندن بیگانگان از کشور، انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان و گسترش تجارت خارجی بود. البته برخی مورخان و تحلیلگران اعتقاد دارند با همه این اوصاف، زمینه‌های انحطاط صفویه از همین مقطع فراهم شده باشد؛ چرا که شاه عباس اول، بیشتر شاهزادگان صفوی را کور کرد و یا در حرم‌سرا و به دور از فعالیت‌های سیاسی نگاه داشت، به گونه‌ای که به‌هنگام مرگ، جانشین شایسته‌ای باقی نگذاشت (صفت گل، ۱۳۸۱: ۳۶).

پس از برهه سلطنت شاه صفی که دوران ضعیف شدن وضع نظامی و اداری صفویه است، شاه عباس دوم روی کار آمد که مورد توجه محقق سبزواری است و محقق بسیار می‌کوشد وی را اصلاح کند و تا حدودی با اجرای اصلاحاتی از سوی شاه عباس دوم به بخشی از نابسامانی‌ها پایان داده می‌شود و ارتش بازسازی شده قندهار را که در زمان شاه صفی به تصرف دولت هند درآمده بود، بازپس می‌گیرد. اما در کل وی نمی‌تواند بقای صفویه را تضمین کند و سرانجام شاه عباس دوم به دلیل زیاده‌روی در نوشیدن مسکرات درگذشت (حسینی زاده، ۱۳۷۹: ۴۰۶).

پس از مرگ شاه عباس دوم، شاه سلیمان به قدرت رسیدن که با وجود داشتن وزیری مقتدر و مصلح چون شیخ‌علی‌خان زنگنه که اقدامات اصلاحی خوبی انجام داد، سراسیمی انحطاط صفویه همچنان ادامه یافت تا اینکه در سال ۱۱۳۵ قمری با شورش افغان‌ها و تصرف اصفهان، طومار این سلسله برچیده شد. پس از آن به‌ویژه از زمان شاه‌سلطان حسین به‌عنوان ضعیف‌ترین پادشاه صفویه، تنها به صورت اسمی عنوان پادشاه را با خود داشتند، اما عملاً قدرت سیاسی در دست دیگران بود.

عمده فعالیت‌های سیاسی محقق سبزواری در دوره سلطنت شاه عباس دوم و صفی دوم (شاه سلیمان اول) بوده است که منصب شیخ‌الاسلامی و امامت جمعه را پذیرفت. از آنجا که محقق کتاب روضه‌الانوار را به درخواست شاه عباس دوم نگاشته، نگاهی گذرا به اوضاع زمانش دارد و به تصریح و کنایه وضع زمانه را به شاه گوشزد می‌کند و برخی اصلاحات را از وی می‌خواهد. این امر تا آنجا در نظر سبزواری حائز اهمیت است که در نخستین صفحات روضه، فصلی با عنوان «عوامل زوال دولت» گشوده و به پانزده عامل در این باره اشاره کرده است. گشایش این باب نشان می‌دهد که محقق سبزواری زوال صفویه را به وضوح می‌دید و از شاه عباس دوم می‌خواست اوضاع را سامان دهد (لک زایی، ۱۳۸۰: ۶۱).

در روابط سنتی طبقات اجتماعی عصر صفویه، شاه مرکز ثقل و توزیع قدرت بود. سران قزلباش و نیروهای نظامی که پایه قدرت آنها را ابتدا وابستگی خاندانی و نظامی گری تشکیل می‌داد، بعدها با انتصاب به حکومت ولایات و دریافت تیول در اشکال مختلف آن، که به طور عمده موروثی بود، به صورت زمینداران بزرگ درآمدند. به بیان فوران این‌ها با قرار گرفتن در رأس ایل‌های خود و دریافت تیول و حکومت ولایات از سه بخش مازاد ایلی، روستایی و شهری بهره مند شدند. گروه دیگر

بوروکرات های ایرانی بودند. این ها که انحصار دانش عرفی را در ارتباط با اداره زمین ها در اختیار داشتند با تکیه به اقتدار تخصصی و دانش خود، از طریق اشغال مناصب اداری و انحصار امور مالی و ممیزی و غیره به دریافت تیول نایل شدند و در جرگه زمین داران و گاه تجار بزرگ درآمدند. روحانیت نیز با اتکا به قدرت ایدئولوژیک خویش، هم به قدرت سیاسی در ساخت (منصب، صدر، شیخ الاسلام و غیره) دست یافت و هم از طریق سیورغال بهره‌مندی مادی یافت. این گروه انحصار دانش دینی را هم در اختیار داشتند.

دوره صفویه در تاریخ ایران همواره به دلایل مختلفی مورد توجه قرار گرفته است. ایجاد یکپارچگی و خروج کشور از وضعیتی که هر بخشی به دست قدرتهای محلی اداره می‌شد از یکسو و رسمیت یافتن مذهب تشیع به فرمان شاه اسماعیل در کشوری که تا آن هنگام اکثریت جمعیت آن اهل سنت بودند از سوی دیگر به این حکومت وجه تمایزی در تاریخ ایران می‌بخشد.

محقق سبزواری، دغدغه ساماندهی و اصلاح وضعیت دینی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی عصر خویش را داشته است. در واقع، تفکر سیاسی و اجتماعی ایشان، پاسخ به مشکلات، معضلات و نیازهای عصر خود بوده است.

حکومت صفویه حکومتی مستقل و متکی به نیروی بومی و داخلی بوده است و از طرف دیگر مدعی دین داری، حمایت از دین و پیروی از علمای دینی بوده است. همین مسئله سبب شده تا تفکرات اجتماعی و سیاسی سبزواری متوجه اصلاح وضعیت سلطنت و رفتار شخص شاه باشد.

سبزواری هیچ گاه به سلطنت پادشاه صفوی مشروعیت نداده است، بلکه از موضع یک حکیم مجتهد، به شاه صفوی دستور می دهد که اصلاح های مورد نظر او را انجام دهد، چرا که ایشان معتقد است که «... خلیفه و مقتدا و امام و متبع باید که اعلم باشد.» و «بر همه کس واجب است که از مجتهد زنده تقلید نماید...». بنابراین، وی خود را «اعلم» و همان مجتهد زنده ای می داند که شاه عباس دوم باید به پیروی و تقلید از او امور مملکت را اداره کند.

در پایان می توان گفت از زمانی که لغزش های ارزشی، دوری از تصوف واقعی و پویا و گرایش به شریعت در مسیر بهره وری حکومتی، وضع جدیدی را پیش آورد که تعلیمات دینی ریشه دار و خلاق باقی نماند و شریعتی بدون تعلیمات در تشریفاتی ظاهری در طبقات جامعه گسترده شد و هم زمان ناکارآمدی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر کلیت جامعه مستولی گردید، بر این اساس آثار انحطاط و شکست در ساختار سیاسی و اجتماعی پدید آمد و سامان سلطنت دویست و سی ساله صفویان با همه اعتبار تاریخی موجب سقوط حکومت صفوی و به تبع آن توقف و زوال توسعه تمدنی صفویان شد.

پیشنهادات:

اندیشه‌های سیاسی اصلاحی اندیشه‌هایی هستند که با توجه به شرایط زمان و مکان و نیز امکانات و سایر شرایط و مقتضیات، که در کل از آن‌ها به «واقعیت‌های موجود» تعبیر می‌کنیم، ضمن این که از اصول و ارزش‌های اساسی خویش عقب‌نشینی نمی‌کنند، در پوشش تقیه‌گونه، پیشنهادهایی به منظور اصلاح و بهبود نسبی امور ارائه می‌دهند و اگر شرایط مساعدتر شد، سعی می‌کنند بر پیشنهادهای خود، برای بهبود اوضاع، بیفزایند.

بر پایه‌ی بنیاد اندیشه‌های اصلاحی، دانشمندان شیعه می‌کوشند، تا حکومت موجود را از راه‌های گوناگون تعدیل نموده، از ستم و ستم‌گری آن بکاهند و در نتیجه در عرصه‌ی سیاست به صورت فعال ظاهر می‌گردند. این فرصت در مایه‌ی حکومت شیعی صفویان حاصل گشت.

این الگو نیز، از یک طرف تحت تأثیر نظریه‌ی امامت (مرجعیت دینی و نه حکومت) است که معتقد به ضرورت حکومت، در جامعه است؛ هر چند حکومت موجود آرمانی نباشد. از سوی دیگر، متأثر از شرایط خاص تاریخی بوده که حکومتی شیعی در جهان اسلام (ایران) شکل گرفته است. بر این اساس، دانشمندان شیعه در تلاشند با بیشترین همکاری، حکومت موجود را در راستای اهداف دینی سوق داده، از ستم آن بکاهند.

اندیشه سیاسی متفکران اسلامی از سه حالت خارج نیست:

۱- اندیشه برخی نظریه‌پردازان متوجه حفظ سلطنت و نظام سیاسی متغلبانه و غیره فاصله بوده

است که می‌توان این نوع اندیشه‌ها را اندیشه‌های سیاسی «تغلبی» نامید.

۲- برخی دیگر از متفکران درصدد اصلاح نظام سیاسی بوده‌اند که این‌ها اندیشه‌های سیاسی

«اصلاحی» نامیده می‌شوند.

۳- اندیشه سوم نظریاتی هستند که اجرا و اعمال آن‌ها در گرو انقلابی اجتماعی و سیاسی

همه‌جانبه است که به آن‌ها اندیشه‌های سیاسی «انقلابی» گفته می‌شود. مطابق با این الگو

به نظر می‌رسد تفکر سیاسی سبزواری از نوع اصلاحی است، هم به مفهوم دینی و هم به

معنایی که در جامعه‌شناسی سیاسی لحاظ می‌شود.

برای اصلاح جامعه نیاز به اندیشه‌های سیاسی اصلاح‌گرایانه مبتنی بر مشروعیت از مردم

است که چنانچه این مولفه و عوامل اجتماعی از مردم اخذ شود دوام و تقویت خواهد شد و در

تلاطمات داخلی و بیرونی خدشه‌ای به ساختار اجتماعی وارد نخواهد شد بلکه با پشتیبانی مردم آن

جامعه به سر منزل خواهد رسید. پس پیشنهاد می‌شود بازخوانی و روزآمد این موضوع مورد توجه قرار

گیرد زیرا در عصر کنونی می‌تواند به ما نیز در اداره بهتر جامعه اسلامی‌مان که امروز به الگوی جوامع

مسلمانان در اداره دین‌مدارانه اجتماع تبدیل شده کمک شایانی کند.

منابع و مأخذ:

- آرام، محمد باقر (۱۳۸۶): اندیشه‌ی تاریخ‌نگاری عصر صفوی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- آقاجری، سید هاشم (۱۳۸۳): مقدمه‌ای بر مناسبات دین و دولت در ایران عصر صفوی، تهران: نشر طرح نو
- آقاجری، هاشم (۱۳۸۸): کنش دین و دولت در ایران عصر صفوی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران
- اسدی، زهرا (۱۳۹۱): ایران در عصر شاه عباس دوم صفوی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، دانشکده علوم انسانی، تاریخ.
- اولناریوس، آدام (۱۳۸۵): سفرنامه اولناریوس، مترجم، احمد بهپور، تهران، نشر ابتکارنو.
- ایراندوست، حسین (۱۳۹۲): بررسی عوامل رشد و گسترش فلسفه در عصر صفوی، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ترکمان، اسکندربیک (۱۳۸۲): تاریخ عالم‌آرای عباسی، جلد دوم، چاپ دوم، تصحیح: ایرج افشار، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- حسینی زاده، سید محمد علی (۱۳۷۹): علما و مشروعیت دولت صفوی، تهران: نشر انجمن معارف اسلامی.
- سبزواری، محمد باقر (۱۳۸۱): روضه‌الانوار عباسی (مبانی اندیشه سیاسی و آیین مملکت داری)، به کوشش: نجف لک زایی، قم، بوستان کتاب.
- سیوری، راجر (۱۳۸۰): ایران در عصر صفوی، مترجم: کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز.
- شاردن، ژان (۱۳۴۵): سیاحتنامه شاردن، ج ۵، مترجم: محمد عباسی، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- صفت‌گل، منصور (۱۳۸۱): ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران صفوی، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- طباطبایی، جواد (۱۳۸۷): گفتار در مبانی نظری انحطاط ایران، تهران: نشر کویر.
- طباطبایی فر، سیدمحسن (۱۳۹۴): نظام سلطانی از دیدگاه اندیشه سیاسی شیعه، دوره صفویه و قاجاریه، تهران: نشر نی.
- فوران، جان (۱۳۷۸): تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب، مترجم، احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳): سفرنامه کمپفر، مترجم: کیکاووس جهانداری، تهران، نشر خوارزمی.
- لاپیدوس، ایرام (۱۳۷۶): تاریخ جوامع اسلامی از آغاز تا قرن هجدهم، مترجم، محمود رمضان زاده، ج اول، مشهد، نشر آستان قدس رضوی.
- لک زایی، نجف (۱۳۸۰): اندیشه سیاسی محقق سبزواری، قم، بوستان کتاب.
- لمبتون، آن‌کترین (۱۳۳۹): مالک و زارع در ایران، مترجم، منوچهر امیری، تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
- نوبی، عبدالحسین و غفاری فرد، عباسقلی (۱۳۸۹): تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه، تهران، نشر سمت.
- نوذری، عزت‌الله (۱۳۸۸): تاریخ اجتماعی ایران: از آغاز تا مشروطیت، تهران، نشر خجسته.
- نویدی، داریوش (۱۳۸۶): تغییرات اجتماعی - اقتصادی در ایران عصر صفوی، مترجم، هاشم آقاجری، تهران، نشر نی.